

چکیده

مقاله حاضر با اذعان به اینکه ایران در یکی، دو قرن اخیر گرفتار نیروهای بنیادین سیستمی بوده است و «سیاست خارجی» مهمترین مشکل این کشور در دوره معاصر به شمار می آید، به تدوین طرحی تئوریک و مفهومی به عنوان گامی برای حل مشکل مزبور می پردازد. پرسش اساسی آن است که علل و عوامل تعیین کننده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کدامند و چه نوع از سیاست خارجی را بر این کشور تحمیل می کنند؟ به نظر نویسنده، تلاقی بین ویژگیهای محیط داخلی و عوامل خارجی موجب شکل گیری محیط عملیاتی به عنوان مبنای تئوری پردازی درباره سیاست خارجی ایران شده است و انطباق دو گانه محافظتی و تهاجمی برای تبیین سیاست خارجی این کشور کارایی دارد. از این رو، بخشی از این نوشته به بررسی متغیرهای داخلی و متغیرهای سیستمی مؤثر در شکل گیری محیط عملیاتی سیاست خارجی ایران اختصاص داده شده و در نهایت، طرح مفهومی سیاست خارجی ایران ارائه شده است.

کلید واژه ها: نظام بین الملل، فرآیندهای سیستمی، استراتژی انطباق دو گانه، فرآیند جهانی شدن، سیاست خارجی ایران، سیستم تابعه خلیج فارس.

* استاد یار روابط بین الملل در دانشگاه شیراز

زندگی اجتماعی و به تبع آن، روابط اجتماعی را می‌توان پدیده‌ای همزاد با بشریت دانست، اما زندگی اجتماعی انسان در گروه‌ها و ابعاد مختلف تجلی یافته است. زمانی قبایل و گروه‌های قومی و روابط بین آنها تعیین کننده بوده و زمانی دیگر گروه‌های نوین خاستگاه روابط اجتماعی افراد بوده‌اند. آنچه مسلم است، بر اثر کارکرد نیروهای ژرف و بنیادین، پدیده‌ای به نام دولت - کشور به عنوان خاستگاه وفاداری افراد و تجلی بخش روابط آنان با دنیای بیرون ظاهر شد. این پدیده، ماهیت واقعی یافته و افراد منافع خود را از آن طریق دنبال می‌کنند، اما پدیده قدرت، به عنوان پدیده‌ای ذاتی در بشر، به روابط این واحدها ماهیتی نابرابر بخشیده و علاوه بر آن به علت فقدان اقتدار عالی حاکم بر این روابط، نابرابریهای موجود نه تنها تداوم یافته‌اند، بلکه تشدید نیز شده‌اند. این کشورها بر پایه اصول بنیادین مذکور، یعنی قدرت و آناژشی، مکانیزمها و سازوکارهای مختلفی را در تنظیم روابط خود تدارک دیده‌اند که توازن قوا، اتحادها، ائتلافها و کنوانسیونها از آن جمله‌اند. از سوی دیگر، کشورها بر پایه ویژگیها و شرایط داخلی خود اهداف و آرمانهای مختلفی را دنبال کرده‌اند. بدین ترتیب اولویت بخشی به روابط با گستره‌های مختلف سیستم بین الملل نخستین شرط سیاست گذاری خارجی واحدها به شمار آمده است که خود در چارچوب مدل تئوریک شکل گیری سیاست خارجی واحدهای سیستم بین الملل تبیین می‌گردد.

ایران به عنوان یکی از قدیمی ترین کشورها و به عنوان معدود امپراتوریهای گذشته از این چارچوب خارج نمی‌باشد؛ زمانی به مدد قدرت برتر و امپراتوری جهانی بودن، سیاست انطباق تهاجمی را دنبال کرده و سعی در منطبق ساختن دیگران با خود و گسترش منطقه نفوذ خود داشت، اما نیروهای ژرف تأثیرات یکسان و یکنواختی را در تمامی گستره جهانی بر جای نگذاشتند و بازی قدرت بسیاری را منکوب ساخت. در فرآیند مذکور بسیاری از واحدهای دیگر از بعد قدرت پیشی گرفتند و خواسته‌های خود را بر بسیاری؛ از جمله قدرتمندان گذشته، تحمیل کردند. در این میان ایران از جمله واحدهایی است که در این حلقه و فرآیند سیستمی گرفتار آمد. به هر حال ایران در چرخه روزگار گرفتار نیروهای بنیادین

سیستمی گردید. کشوری که تا چندی پیش خواهان گسترش حوزه نفوذ و انطباق سایرین با خود بود، گرفتار رقابت قدرت در میان سایرین و از دست دادن حوزه نفوذ و کوچک شدن مداوم سرزمین خود به عنوان نماد استقلال و آزادگی اش شد. به این دلیل روابط و سیاست خارجی برای این کشور به معضلی جدی مبدل گردید و زمانهایی همچون تویی در خم چوگان بود که گاهی به راست و گاهی به چپ به گردش در می آمد. زمانی معاهده فین کنشتاین را امضا نمود و هنوز امضای آن خشک نشده بود که قدرت بزرگ طرف قرارداد (فرانسه) از آن روی برتافت و استقلال ایران را فدای خواسته ها و آمال خود نمود. زمانی دیگر معاهداتی دیگر را امضا کرد و هر روز در چنگال یکی از قدرتها گرفتار آمد. زمانی سیاست موازنه مثبت و زمانی دیگر سیاست تعادل منفی را دنبال می کرد.^۱

بدین ترتیب معضل شکل بخشیدن به نوع الگوی رفتاری در حوزه سیاست خارجی همچنان پابرجا بود. از یک سو به علت ویژگی داخلی، اهداف و منافع است که باید آن را پی گیر بود و از سوی دیگر، محدودیتهایی است که باید آن را در نظر گرفت. علاوه بر آن برخی از گستره های سیستمی است که می توان از آنها برای دست یابی به خواسته ها و آرمانها بهره برد. همچنین، بسیاری از گستره ها محدودیتهای شدیدی را بر ایران تحمیل کرده و می کنند. بدین ترتیب شاید سیاست خارجی را بتوان مهمترین معضل ایران به ویژه در دوره نوین به حساب آورد؛ معضلی که برای حل آن اولین اقدام اساسی؛ یعنی تدوین طرحی تئوریک و مفهومی به عنوان زیربنای حل معمای مذکور ضروری است.

بر اساس طرح مذکور، پرسش اساسی این است که علل و عوامل تعیین کننده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کدامند و چه نوع از سیاست خارجی را بر این کشور تحمیل می کنند؟ به عبارتی روشنتر، با توجه به مثلث استراتژیک جمهوری اسلامی ایران طرح تئوریک مطالعه سیاست خارجی این کشور چگونه طراحی می شود؟

پاسخ به پرسش فوق مستلزم پاسخگویی به پرسشهای فرعی زیر است:

۱. متغیرهای داخلی تعیین کننده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کدامند و پدیدآورنده چه اهداف و الگوهای رفتاری در سیستم بین المللی می باشند و سرانجام از این بعد چه اولویتهایی شکل می گیرد؟

۲. متغیرهای سیستمی مؤثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سطح کلان و منطقه ای چگونه بوده و فرصتها و محدودیتهای احتمالی کدامند؟

۳. تلاقی بین دو گونه از متغیرهای فوق خود را در چه نوع از الگوهای رفتاری متجلی خواهند ساخت؟

در پاسخ به پرسش اصلی هر چند که متون مختلفی به رشته تحریر درآمده است، هیچیک طرح جامعی از سیاست خارجی ایران ارایه ننموده اند و هر کدام تنها بخشی از مسئله را مورد کنکاش قرار داده اند و مهمتر اینکه در مورد تلاقی بین این عوامل و طرح مفهومی ناشی از آن اقدامی صورت نگرفته است. بدین جهت هدف اصلی مقاله حاضر آن است که با مروری هر چند اجمالی از علل و عوامل شکل دهنده سیاست خارجی ایران، طرحی مفهومی و تئوریک ارایه نماید. به هر حال در پاسخ به پرسش اصلی و در راستای نیل به اهداف پژوهش، این فرضیه به عنوان مبنای طرح قرار می گیرد که «تلاقی بین عوامل داخلی (ویژگیهای محیط داخل) و عوامل خارجی از جمله ساختارها و فرآیندهای نوین سیستمی، چه در سطح منطقه ای و چه در سطح جهانی، سبب شکل گیری محیط عملیاتی به عنوان مبنای تئوری پردازی درباره سیاست خارجی ایران شده است و انطباق دوگانه؛ یعنی انطباق محافظتی در جهت انباشت مازاد توان به عنوان اولویت نخست و انطباق تهاجمی به عنوان اولویت درجه دوم در جهت کاربرد مازاد به منظور دست یابی به اهداف و آرمانها، سیاست خارجی این کشور را تبیین می نماید.»

فرآیند پاسخ یابی به پرسش اصلی و نیل به فرضیه فوق از چند مرحله اساسی گذر کرده است. به عبارت روشنتر، برای ارایه مدل کارآ در مطالعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چند گام اساسی ضروری است که به آنها پرداخته خواهد شد: ابتدا متغیرهای داخلی تعیین کننده در اولویتهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح می شوند؛ در مرحله دوم متغیرهای سیستمی مطرح و سرانجام به مکانیزم و ساز و کارهای تأثیرگذاری آنها بر یکدیگر و به طور خلاصه شکل بخشیدن به محیط عملیاتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اشاره خواهد شد؛ و سرانجام با مفهوم سازی محیط عملیاتی سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران، مدل تئوریک تدوین الگوی رفتاری در حوزه سیاست خارجی
ارایه خواهد شد.

متغیرهای داخلی تعیین کننده در سیاست خارجی و اولویتهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

طرح عوامل و متغیرهای داخلی تعیین کننده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی
ایران در چارچوب محیط عملیاتی، بخشی از عوامل شکل دهنده سیاست خارجی آن را در
گستره سیستم بین الملل روشن می سازد. در این زمینه مهمترین متغیرهای مربوطه را
می توان به گونه زیر مطرح ساخت:

- ویژگیهای ژئوفیزیکی و وضعیت ژئواستراتژیک؛

- ساختارهای اجتماعی از جمله تجربه تاریخی، ناسیونالیسم، ایدئولوژی اسلامی؛

- ویژگیهای سیستم سیاسی؛

- فشارها و محدودیتهای منابع.

متغیرهای فوق پدید آورنده اهداف و منافع است که کشور باید آنها را در صحنه
بین المللی پی گیری نماید و همچنین بسیاری از مناطق و گستره های جغرافیایی به دلیل
کار کرد برخی از این متغیرها، از جمله، ویژگیهای ژئوفیزیکی و ژئواستراتژیک از درجه
حساسیت بالایی برخوردار خواهند شد. از جمله اینکه ایران به دلیل محاصره شدن توسط
مرزهای زمینی در شمال، شرق و غرب، تنها از طریق جنوب به دریای آزاد دسترسی دارد،
بنابراین کشوری شبه محاصره شده زمینی است که تنها پنجره رو به دنیای آن خلیج فارس
است. علاوه بر آن، در مسیر تجاری و نظامی آسیا قرار گرفته و عضو دو منطقه یا سیستم تابعه
بسیار حساس خلیج فارس و آسیای مرکزی و قفقاز می باشد که می تواند ضمن در پی داشتن
فرصتهای مختلف، محدودیتهای تهدیدهای بسیاری را نیز متوجه آن سازد.

در دیگر سوی ساختارهای اجتماعی نیز پدید آورنده بخشی از محیط عملیاتی
سیاست خارجی به شمار می آید. در اینجا تجربه تاریخی شاید نخستین متغیر مطرحه باشد؛

چرا که پادمان تاریخی کشورها ارزیابی از واقعیت‌های موجود را شکل داده و دید آنها را از آینده پدید می‌آورد. در این میان تاریخ ایران در طی قرون گذشته در چارچوب کوچک شدن سرزمین اصلی، سلطه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و تحقیر ملی خلاصه می‌شود. از دست دادن مداوم سرزمین، رسوخ پذیری فزاینده در مقابل خارج و تحقیرهای همیشگی به شدت ایرانیان را رنج می‌داده است و تجربه شان از سلطه خارجیها عمیقاً بر آگاهی آنها اثر گذاشته و این تجربه تاریخی خواست و آرزوی قومی را برای استقلال پرورش داده است که بروز پدیده انقلاب اسلامی ایران بالاترین نمود استقلال طلبی مردم ایران است و به همین جهت اسلام و ایدئولوژی اسلامی را باید متغیر دیگری دانست که در امتداد این خواست، اهداف جمهوری اسلامی ایران را در صحنه بین المللی شکل بخشیده است. سرانجام ویژگیهای سیستم سیاسی و فشارها و محدودیت منابع نیز خود پدید آورنده اهداف و الگوهای رفتاری مشخصی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که نموده‌های آن را می‌توان در استراتژیهای مختلف از جمله استراتژی تعادل، موازنه مثبت و موازنه منفی جستجو کرد. علاوه بر آن، محدودیت منابع ضمن تأثیرگذاری بر اهداف و ارزیابی آنها الگوها و اولویتهای خاصی را باعث می‌شود که هدف عمده این الگوهای رفتاری کسب منابع در جهت رسیدن به اهداف است.^۲

بدین ترتیب طرح عوامل و متغیرهای تعیین کننده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب محیط عملیاتی، بخشی از عوامل شکل دهنده سیاست خارجی ایران و اتخاذ اولویتهای خود در این خصوص را روشن می‌سازد. در این راستا الزامات ژئوپلیتیکی آن، خلیج فارس و سیستم تابعه نوین، یعنی آسیای مرکزی و قفقاز، را به عنوان مناطق و سیستمهای تابعه حیاتی آن مطرح می‌سازد و علاوه بر آن عضویت در سیستم تابعه خلیج فارس، نقطه پیوند ایران و سیستم بین الملل و در نتیجه فشارها و محدودیتهای سیستمی است. در سوی دیگر، ویژگیهای مرتبط با تجربه تاریخی، ناسیونالیسم، اسلامیت و چارچوب داخلی سیستم سیاسی، اهداف و الگوهای خاصی را بر این کشور تحمیل می‌کند که در نتیجه ایران مجبور به پی گیری آنها در گستره سیستم بین الملل می‌باشد. علاوه بر آن، این ویژگیها توان این کشور را نیز در پی گیری اهداف خود نشان می‌دهد که بر آن اساس استراتژی سیاست خارجی تدوین می‌گردد.

پیچیدگی فزاینده سیستمی: متغیر سیستمی شکل دهنده به سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران

گروه دیگری از متغیرها که در شکل بخشیدن الگوهای رفتاری در سیاست خارجی واحدهای تشکیل دهنده سیستم بین الملل مؤثرند، به متغیرهای سیستمی مربوط می شوند. این گروه از متغیرها فرصتها و محدودیتهای موجود در برابر واحدها را روشن می سازند و بخشی از محیط عملیاتی سیاست خارجی آنها را شکل می بخشند. در این میان یکی از مباحث نوینی که در دهه ۱۹۹۰ درباره سیستم بین الملل و متغیرهای سیستمی مطرح شده، موضوع جهانی شدن است که دیدگاهها و برداشتهای مختلف پیرامون آن را می توان به صورت خلاصه در قالب جدول شماره یک مطرح نمود.^۲

جهانی شدن از دو بعد، سیاست خارجی واحدهای تشکیل دهنده سیستم بین المللی را تحت تأثیر قرار می دهد. نخستین تأثیر آن را باید از بعد فضایی و گستره تصمیم گیری در سیاست خارجی جستجو کرد. به علت جهانی شدن سیستم بین الملل، گستره سیاست خارجی کشورها نیز جهانی شده است و بدین سبب ملاحظات در این حوزه جنبه جهانی یافته است. دومین تأثیر جهانی شدن بر سیاست خارجی واحدهای تشکیل دهنده سیستم بین الملل را باید از بعد شدت یافتن فرآیندهای درونی سیستم جستجو کرد. در این باره جهانی شدن پیچیدگیهای درونی سیستم را افزایش داده و به علت شدت پویایی این فرآیندها، شدت مبادلات بین مرزهای درونی و برونوی، یا به عبارتی حوزه های داخلی و بین المللی افزایش یافته است و به این سبب نوعی سیاست تدبیر را جایگزین حکومت در عرصه داخلی و در نتیجه سیاست خارجی نموده است.

این تأثیرات به طور کلی برای تمامی واحدهای سیستم بین المللی صادق است، اما در این میان وضع کشورهای پیرامون و شبه پیرامونی تا حدودی ابعاد جدیدی یافته است. به علت نامتقارن بودن این فرایند و اینکه گستره سیستمی، آنارشیک و قدرت محور محسوب می شود، پیچیدگیهای فزاینده سیستمی، فرصتهای بیشتری را در اختیار واحدهای مرکز قرار داده است و بنابراین باید ابزارهای نوینی را برای کنترل نظم سیستمی در برابر واحدهای پیرامونی

به کار برد. نمونه‌های آن را می‌توان در قالب ملاحظات بشردوستانه، و عملیات‌های حفاظت از صلح و ایجاد صلح جستجو کرد.

علاوه بر موضوع جهانی شدن و تأثیرات آن، از بعد سیستمی فشارها و محدودیت‌های دیگری نیز بر ایران وارد می‌گردد که این فشارها ناشی از ساخت کنترلی موجود در سیستم بین‌الملل به محوریت امریکا، به عنوان قدرت هژمون، در برابر ایران می‌باشد که از فرصت‌های ناشی از پیچیدگی فزاینده سیستمی نیز در مدل کنترلی خود بهره‌مند می‌شود. ساخت چنین کنترلی را می‌توان به صورت شکل‌های شماره ۱ و ۲ نشان داد. بنابراین از بعد سیستمی فرایندها و پدیده‌های نوینی مطرح گردیده‌اند که سیاست خارجی واحدها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند که البته این موضوع در مورد سیاست خارجی کشورهای ضعیف به علت ضعف و رسوخ‌پذیری آنها در برابر سیستم نمایان‌تر است. در دیگر سوی، وجود تعارض بین این کشورها با امریکا به عنوان قدرت سیستمی می‌تواند بر شدت تهدیدها بیفزاید که نکات مذکور خود را در شکل‌گیری ساخت سیستم کنترل و تهدیدهای ناشی از آن نشان می‌دهد. بدین ترتیب، یکی از مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را باید متغیرهای سطح سیستمی دانست که تهدیدها و فرصت‌های ناشی از ساختار و فرایند آن می‌تواند الگوهای رفتاری یا سیاست خارجی خاصی را سبب گردد. در سوی دیگر، متغیرهای سیستمی ارتباط و پیوند نزدیکی با متغیرهای منطقه‌ای دارند؛ چرا که منطقه به عنوان سیستم تابعه، بخشی از سیستم محسوب گشته و ارتباط متقابلی بین این دو، یعنی سیستم کلان و اجزای آن یعنی سیستم‌های تابعه، در سطح فرایندها و ساختارها و در نتیجه تهدیدها و فرصت‌های موجود برقرار است که در طرح مفهومی سیاست خارجی پرداختن به آن ضروری است.

متغیرهای سیستمی منطقه‌ای

یکی دیگر از متغیرهای سیستمی، متغیرهای موجود در سطوح منطقه‌ای است. ایران از بعد منطقه‌ای دارای جایگاه ژئوپلیتیکی بسیار مهمی است، چرا که به صورت هم‌زمان با دو

سیستم تابعه منطقه ای خلیج فارس از یک سو و آسیای مرکزی و قفقاز از سوی دیگر در ارتباط می باشد و اصولاً حلقه بسیار مهمی در میان دو سیستم مذکور به حساب می آید و بدین جهت ضمن فراهم ساختن فرصتها و یا ایجاد تهدیدهای مستقل، زمینه را برای پیوند بین فرصتها و تهدیدهای موجود، سیستم مسلط و سیستم منطقه ای مهیا می سازد. از جمله چنین موضوعاتی را می توان در پیوند سیستم کنترل نظم منطقه ای و جهانی مشاهده نمود که شکل گیری سیستم کنترل نظم در سطح مسلط و پیوند آن با سیستمهای کنترل نظم منطقه ای در خلیج فارس و آسیای مرکزی و قفقاز از آن جمله اند.^۴ در سیستم تابعه خلیج فارس شرایط و زمینه ها به گونه ای است که پیوندی مستحکم بین سیستم بین المللی به عنوان کل و کارگزار اصلی آن، یعنی امریکا و نظم منطقه ای آن فراهم می نماید که خود می تواند سبب ساز شکل گیری تهدیدهای مختلفی باشد.

شکل ۳ بیانگر ساختار سیستم بین المللی منطقه ای و شکل گیری سیستم کنترل با محوریت امریکا و عراق در برابر ایران در دوره زمانی پس از انقلاب اسلامی در سیستم تابعه خلیج فارس است. این سیستم متشکل از سه گروه عمده از واحدها، یعنی مرکز، پیرامون و مداخله گر می باشد که خود پدیدآورنده سه محیط مجزاست. در این میان بخش مرکزی (محیط ۲) به علت ضعف خود در برابر پیرامون (محیط ۱) در معرض انواع نفوذهای محیطی آن قرار دارد و بدین سبب زمینه های تأثیر گذاری محیط بر این بخش فراهم می گردد. حال این پرسش مطرح می شود که نفوذهای موجود از طرف ایران چگونه انتقال می یابند؟ در پاسخ باید گفت که در سیستم تابعه خلیج فارس، ساختار اجتماعی بازیگران به گونه ای است که سبب انتقال این نفوذهای موجود می گردد که در این میان ساختار اجتماعی بسیار مهم است. در این ساختارها، گروههای همانندی وجود دارند که در مواقع بروز تغییرات محیطی موجب انتقال آنها به درون سیستم خواهند شد. سیستم بخش مرکزی نیز توان پاسخ بازخوانی به جریانات را به صورتی که امکان قطع پیوند را فراهم سازد، ندارد. بدین ترتیب بخش مرکزی در برابر حوادث محیطی قرار می گیرد و به دلیل نوع اهداف بازیگران منطقه ای، امکان سازش اندک است و در نتیجه امکان زیادی برای بروز رفتارهای تعارضی فراهم می شود.

بنابراین، زمینه مشترکی برای شکل‌گیری ائتلافها با دیگر واحدهای پیرامونی (عراق) در برابر ایران به وجود می‌آید و به علت وجود منافع مشترک و خواست بخش ضعیف مرکزی و منافع مشترک سیستم مداخله‌گر با عراق، عملاً زمینه درگیری قدرت مداخله‌گر در برابر ایران به وجود می‌آید. بدین ترتیب ساختار بین‌المللی منطقه‌ای و سیستم کنترل منطقه‌ای با محوریت امریکا و عراق در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سیستم تابعه خلیج فارس شکل می‌گیرد؛ سیستمی که عملاً استقلال و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران را به عنوان بالاترین اولویت امنیت ملی ایران مورد تاخت و تاز قرار داد.

وجود چنین زمینه‌هایی است که سیستم تابعه خلیج فارس را به یکی از گستره‌های سیستم کنترل مرکزی در قالب سطوح خردتر تبدیل می‌نماید و هدف بهینه‌سازی و پایدارسازی منطقه‌ای از دیدگاه قدرت مرکزی، یعنی مدل‌های مختلفی از کنترل را سبب می‌گردد که سیاستهای مهار دوجانبه،^۵ مکانیزمها و سازوکارهای اقتصادی^۶ و بازدارندگی^۷ از جمله برخی از فرایندهای موجود در چنین سیستمهای کنترلی هستند که به صورت اختصاری توان در شکل ۴ ترسیم نمود.

از سوی دیگر، گستره شمالی جمهوری اسلامی ایران با فروپاشی یکی از قدرتهای عمده سیستمی در دهه‌های ۱۹۸۰-۱۹۵۰ یعنی شوروی، سیستم تابعه نوینی براساس دیدگاههای کارل دوئیچ، اشپیگل، کانتوری و کوهن پا به عرصه وجود نهاده است که خود انواع رقابتها، چالشها، جنگهای داخلی و منطقه‌ای را در پی داشته است. این سیستم تابعه نیز مانند هر سیستم تابعه دیگری متشکل از سه بخش مرکز، پیرامون و قدرتهای مداخله‌گراست^۸ که می‌توان آن را در شکل ۵ ترسیم کرد.

سیستم تابعه مذکور به دلیل نوظهور بودن و خلاءهای سیستمی در درون آن، همراه با ناکارایی‌های درونی زمینه را برای نقش‌یابی قدرتهای پیرامونی و مداخله‌گر فراهم ساخته است. در این میان به دلیل وضعیت جغرافیایی، ایران جزئی از سیستم مذکور به حساب می‌آید. نقش یابیهای اجباری ایران همراه با تعارض ایران با مرکز سیستم بین‌الملل از یک سو و زمینه‌های پیوند بین این سیستم تابعه و مرکز سیستم بین‌المللی به دلیل علایق مرکز و

خطرهای احتمالی مورد تصور آن،^۹ از جمله خطر ایران،^{۱۰} زمینه را برای شکل بخشیدن سیستم کنترل منطقه ای در قالب سطح خرد سیستم کنترل بین المللی فراهم می نماید که در این میان واحدهای برون منطقه ای مورد حمایت مرکز (امریکا) مانند اسرائیل^{۱۱} و یا واحدهای منطقه ای مانند ترکیه^{۱۲} نیز نقش مهمی را در چنین سیستمی اعمال می نمایند که می توان فرایندها و ساختارهای این سیستم را در قالب شکل ۶ نشان داد. بدین ترتیب تأملی هر چند مجمل، در متغیرهای سیستمی چه در قالب کلان و چه در چارچوب منطقه ای، گویای وجود ساختارها و فرایندهای نوینی است که اغلب تهدیدهای مختلفی را متوجه ایران می نماید که به طور خلاصه می توان به صورت شکل ۷ دسته بندی نمود.

طرح مفهومی شکل گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

بدین ترتیب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر دو گروه از متغیرهای داخلی و سیستمی قرار داشته و بر آن اساس شکل می گیرد. مکانیزمها و سازوکارهای تأثیرگذاری متغیرهای مذکور را می توان طی یک مدل تحلیلی نشان داد. در مدل مذکور متغیرهای سیستمی و داخلی سبب شکل گیری خواستها و نیازها و به تبع آن اهداف، آرمانها و تواناییها خواهند شد که پس از ورود به دستگاه تصمیم گیری در قالب خط مشی ها و اولویتهای سیاست خارجی خود را نمایان می سازند. شکل ۸ گویای این واقعیتهاست.

از سوی دیگر، علاوه بر شکل گیری سیاستها و اولویتهای، تحقق بخشیدن به این موضوعات نیز از مراحل مهم در سیاست خارجی و مدل سازی تحلیلی - تئوریک محسوب می شود که بر حسب کشورهای مختلف مدل‌های متفاوتی شکل می گیرد. در این میان ایران به دلیل متغیرهای داخلی و سیستمی و تلاقی آنها در مثلث استراتژیک متشکل از توان، تهدیدها و اهداف و آرمانها، موضوع بقا و توان، یا به عبارتی دیگر جذب مازاد برای اقدام در سیاست خارجی مهمترین معضل آن محسوب می گردد.^{۱۳}

بر این اساس سیاست خارجی این نوع از کشورها انطباق زیادی با دیدگاه دانشمندان واقع گرا در سیاست خارجی دارد که حفظ و تداوم واحد عمل کننده در سیستم بین الملل را

فوری ترین و ضروری ترین هدف محسوب می نمایند و انطباق محافظتی مهمترین الگوی رفتاری در سیاست خارجی این واحدها به شمار می آید. در انطباق محافظتی، واحدها سعی در تطبیق خود با محیط و اهداف و منافع سایرین در جهت تداوم حیات دارند^{۱۴} و ملاحظه و نگرشی هر چند کوتاه بر متغیرهای دخیل در شکل بخشیدن به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سطوح کلان و منطقه ای و خرد نیز گویای این واقعیت خواهد بود. اما الگوهای رفتاری در حوزه سیاست خارجی صرفاً محدود به این نوع نیست، بلکه درجات متفاوت قدرت، الگوهای متفاوتی را نمایان می سازد که انطباق تهاجمی نوع دیگری از آن می باشد. در الگوی مذکور، محیط در جهت خواست بازیگر تغییر می کند که البته مختص به قدرتهای درجه اول و قدرت هژمون است. اما مثلث استراتژیک جمهوری اسلامی ایران به عنوان محصول متغیرهای مختلف، گویای اهداف و آرمانهایی است که معطوف به تغییر خارج و نیز تداوم محیط داخلی است و توان و منابع قدرت خاصی نیز در اختیار آن قرار می دهد. نتیجه حاصله از مثلث مذکور را می توان در انطباق دوگانه تبیین کرد که مکانیزم و سازوکاری جهت سازش بین منافع و اصول از یک سو و توان، محدودیتها و آسیب پذیرها از سوی دیگری باشد. به عبارتی روشن تر هدف از انطباق دوگانه، ایجاد انباشت مازاد (توان) و جبران کسری آن و سرانجام به کارگیری آنها در جهت دست یابی به اصول، اهداف و آرمانهایی است که جنبه تغییر وضع موجود را در خود دارد. شکل گیری چنین الگویی را به طور خلاصه می توان در قالب شکل ۹ نشان داد. □

جدول شماره ۱

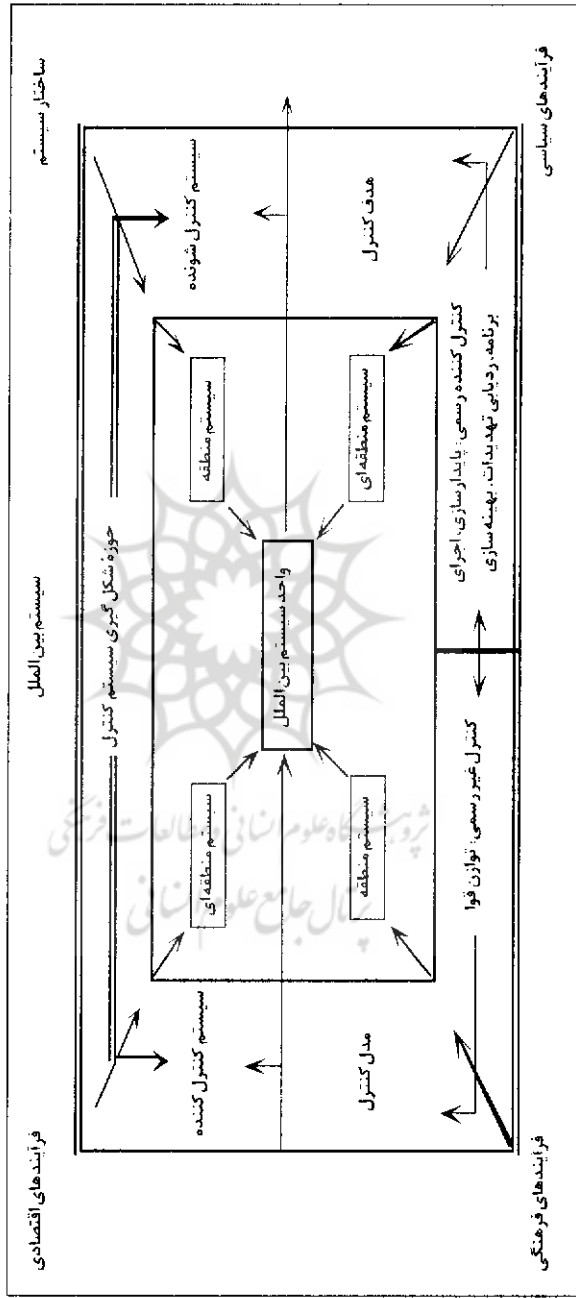
دیدگاه‌های مختلف پیرامون جهانی شدن

جهانی شدن	اندیشمندان حوزه
<p>جهان شمولی: به وضعیت شرایط جهانی اطلاق می شود که شبکه هایی از وابستگی متقابل را در چند قاره می گیرد. ارتباط بین این شبکه ها به واسطه جریانها و تأثیرهای سرمایه و کالا، اطلاعات و عقاید، مرد و نیروهای نظامی به علاوه مواد بیولوژیک صورت می پذیرد. جهانی شدن به افزایش جهان شمولی اشاره دارد.</p> <p>انواع جهان شمولی:</p> <ul style="list-style-type: none"> - جهان شمولی اقتصادی: جریان از راه دور کالا و خدمات و سرمایه به علاوه اطلاعات و مشاهداتی که با تبادل در بازار همراه است. علاوه بر آن تنظیم و ترتیب روندهای فوق را در بر دارد. - جهان شمولی نظامی: شبکه هایی از وابستگی متقابل که در آن نیروی نظامی و تهدید به کار برده می شود؛ - جهان شمولی محیطی: به انتقال از راه دور مواد در فضا یا اقیانوسها یا مواد بیولوژیکی مانند مواد بیماری زا اشاره دارد که بر سلامت و تندرستی بشر اثر گذار است؛ - جهان شمولی فرهنگی و اجتماعی: انتقال و جریانی از عقاید، اطلاعات، تصورات و مردم را در بر می گیرد. <p>جهان شمولی معاصر:</p> <ul style="list-style-type: none"> - افزایش پیچیدگی در شبکه های موجود در سیستم؛ - شتاب نهادی؛ شدت ارتباط بین شبکه ها؛ - مشارکت فرا ملی و افزایش تعداد واحدهای درگیر. 	<p>رابرت کوهن و جوزف نای</p>
<p>رنگ یا خشن اقتدار کشور در سه حوزه</p> <ul style="list-style-type: none"> - دفاع: حفظ امنیت اجتماع در برابر خشونت؛ - موضوع داریایی و امور مالی: حفظ و نگهداری پول به عنوان ابزار مطمئن برای داد و ستد، واحد محاسبه و منبع ارزش؛ - تأمین رفاه. 	<p>سوزان استرنج</p>

دیدگاههای مختلف پیرامون جهانی شدن

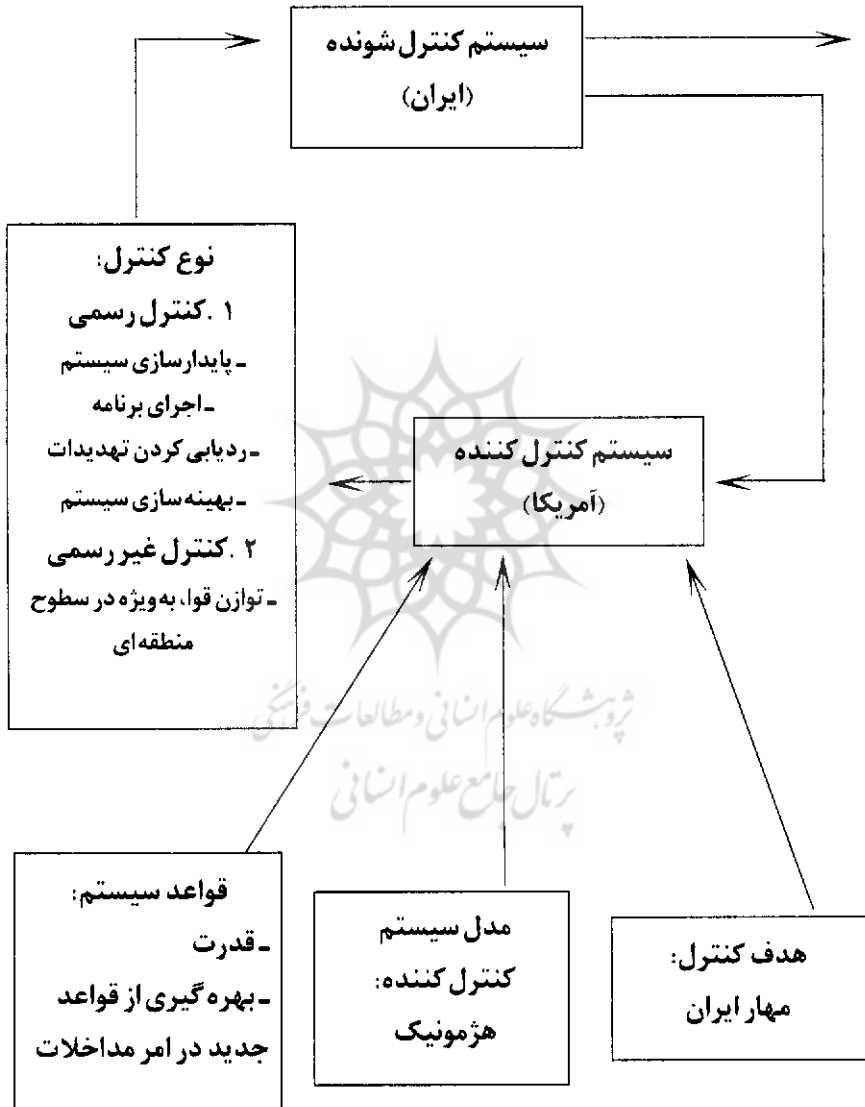
ادینشندان حوزه	جهانی شدن
بنجامین باربر، بل هوست و گراهام تامپسون	انسانه جهانی شدن و سیر اقتصاد جهانی در جهت ایجاد سه بزرگ مالی و تجاری عمده: اروپا، آسیا و آمریکا شمالی.
کیتیچی اوکانو، والتر ستیون، جارد رایش و اوتار لوارد	پایان عصر دولت به عنوان یک بازیگر در گستره سیاست جهانی و ظهور بازار جهانی. اقتصادهای غیر ملی و فراهم شدن زمینه برای شبکه های فراملیتی، تولید، تجارت و امور مالی.
مار کسینست ها	– کم رنگ شدن مرزهای ملی، برنده اصلی بودن سرمایه داری و ایجاد بازار جهانی، قدرتمندتر شدن سرمایه داری، جهان گرایی به عنوان آخرین مرحله امپریالیسم؛
واقع گرایی و گلبین	– جهانی شدن سرمایه داری
فوکویاما	فقدان تحول در ماهیت سیاست
رابرت نسون	جهانی شدن اندیشه امپریالیسم، تجربه غرب به عنوان تجربه جهانی بشر و سرخوش محض بشریت به هم فشرده گی جهان و شدید تلقی جهان به عنوان یک کل.
انثونی سگ گرو	رسد فرآیندها ارتباطات؛ – تأثیر پذیری و تأثیر گذاری فعالیت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر مابرای مرزهای ملی؛ – تشدید حجم کسش متقابل و ایجاد سیستم بون جهانی؛ – صحو شدن فاصله موصوعات داخلی و خارجی؛ – ایجاد مسائل فراملی و حل آنها توسط سیستم های فراملی؛ – ایجاد شبکه های به هم فشرده در سطح مستخلف بین دولتها و نهادهای بین المللی، جموع و سازمانهای غیر دولتی.
جیمز روزنا	– فرآیند زمینه ساز و متفاوت از یکپارچگی جهانی؛ – فرآیندهای جهانی، فرآیندهایی هستند که منابع سرزمینی و قلمرو صلاحیتها، مانع یا بازدارندای برای آنها نیستند، به عبارت روشنتر، فرآیند جهانی شدن مرز گستر و مرز گشاست؛ – همراه بودن فرآیند جهانی شدن با محل گرایی و به عبارت روزنا و لاهم گرایی
والت ریشمان	مطلق ایبات سرمایه و جهانی شدن اقتصاد سرمایه داری.

شکل ۱
شکل گیری ساخت سیستم کنترل در برابر جمهوری اسلامی ایران از بعد فضاها و محدود تینهای سیستمی



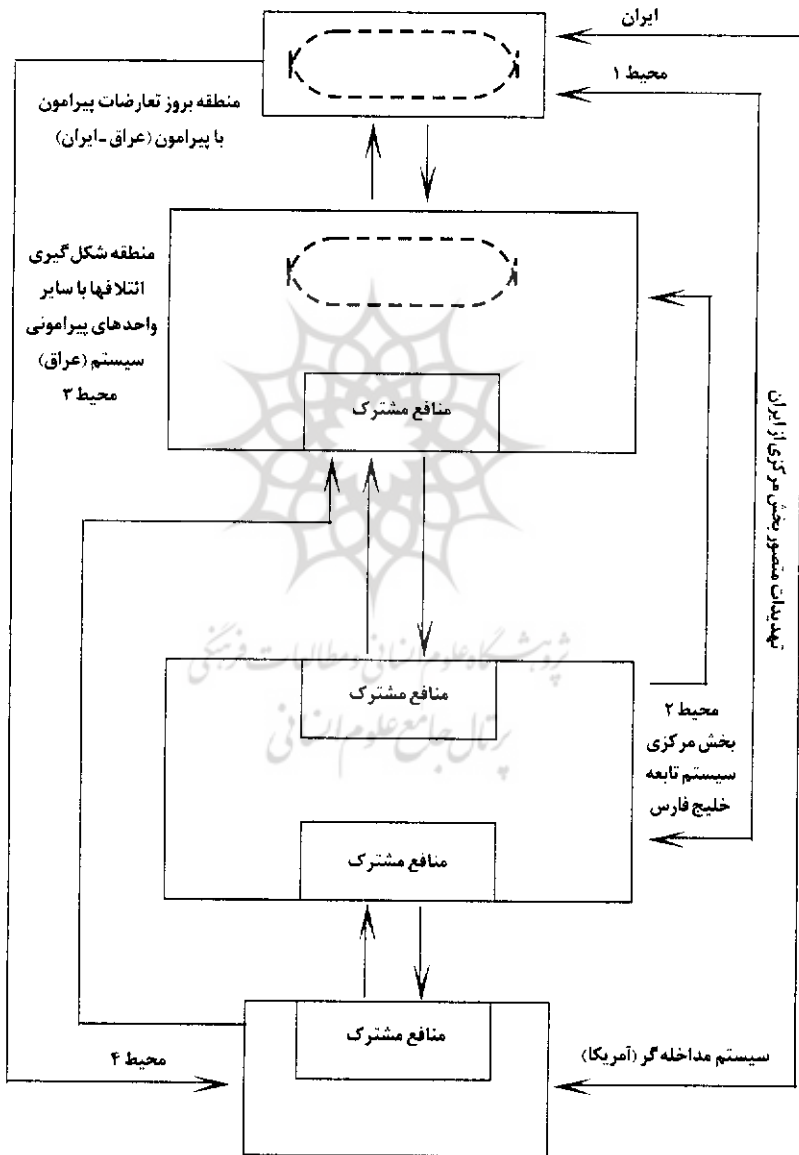
شکل ۲

سیستم کنترل بین المللی در برابر ایران بر محوریت آمریکا



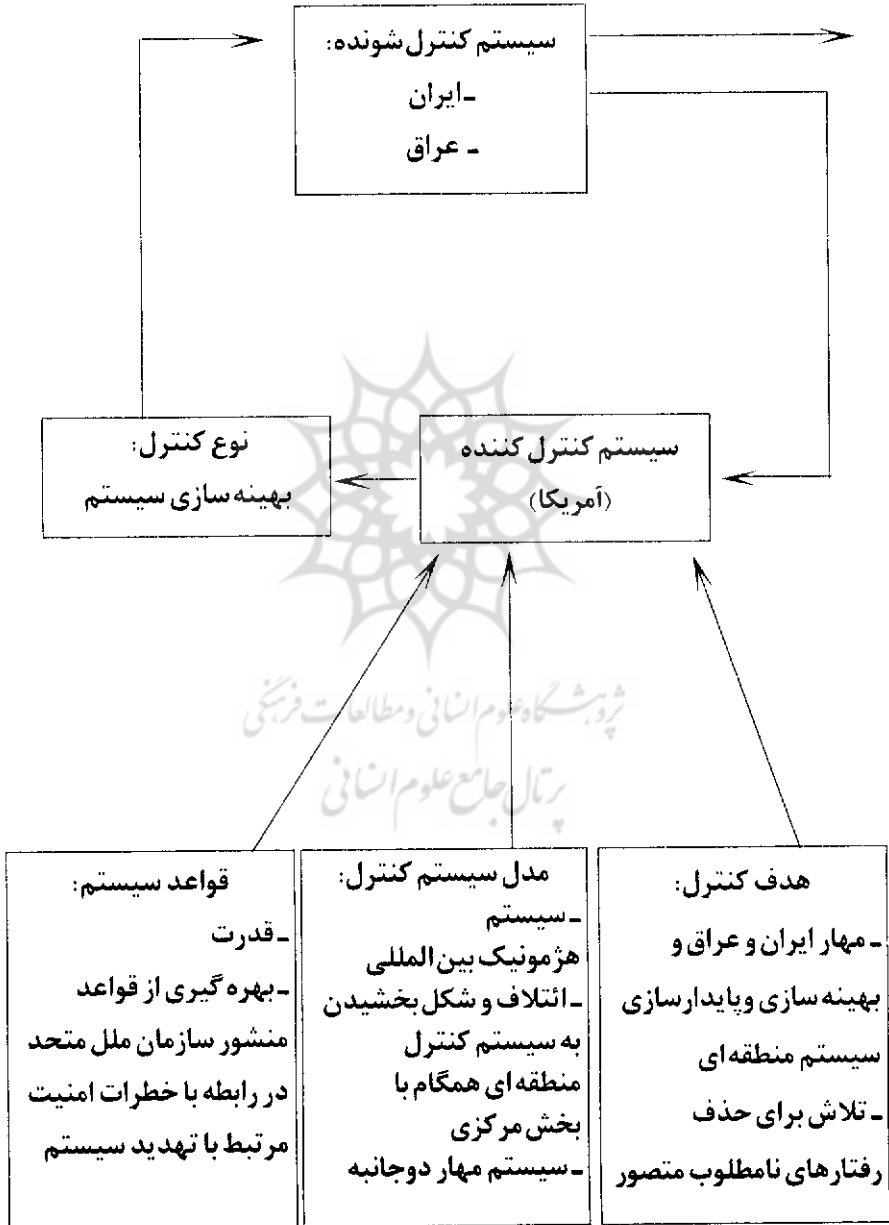
شکل ۳

ساختار سیستم بین‌المللی منطقه‌ای و شکل‌گیری سیستم کنترل با محوریت آمریکا و عراق در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سیستم تابعه خلیج فارس



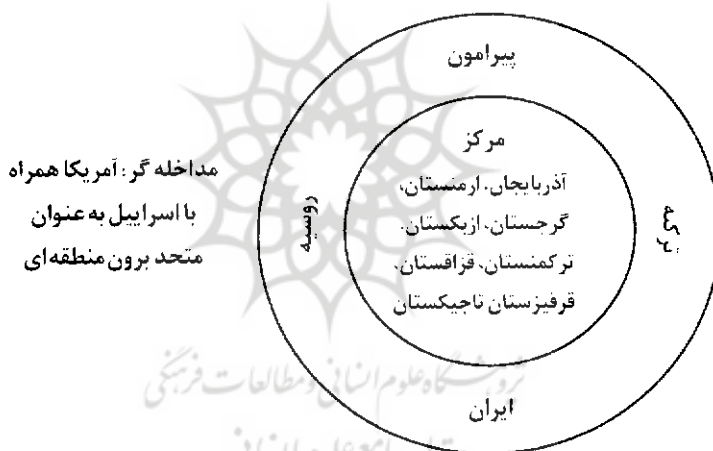
شکل ۴

تحول ساختار سیستم بین‌المللی و شکل‌گیری سیستم نوین کنترل در سیستم
خلیج فارس بر محور مقابله با ایران



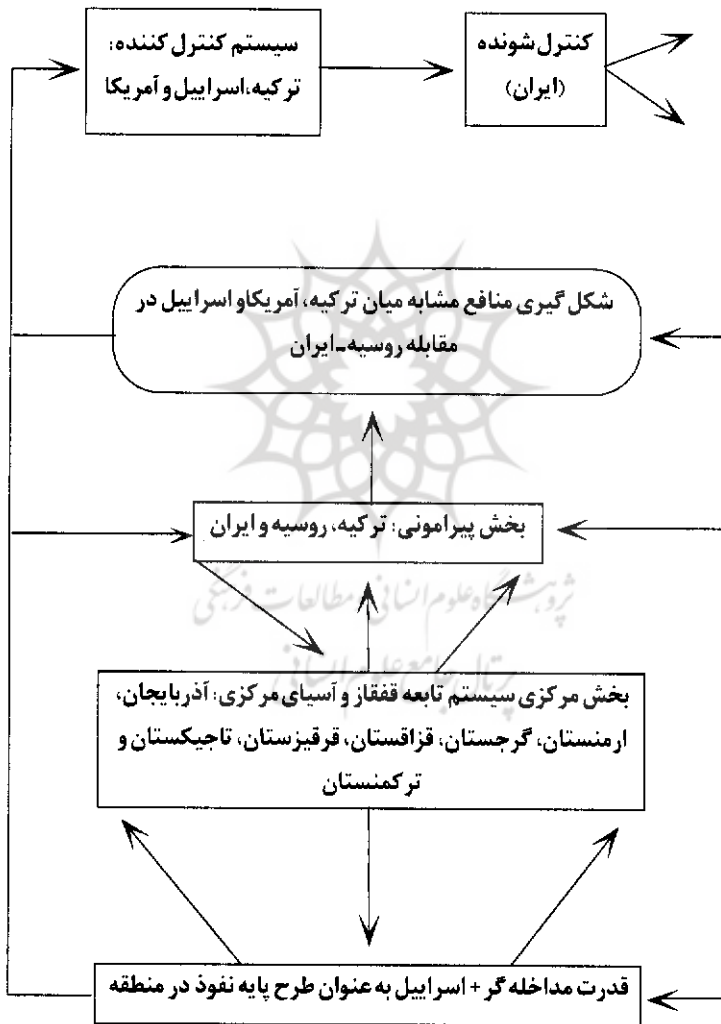
شکل ۵

سیستم تابعه آسیای مرکزی و قفقاز



شکل ۶

شکل گیری سیستم کنترل در برابر ایران در سیستم تابعه آسیای مرکزی و قفقاز در دوران هژمونیک با محوریت ترکیه، اسرائیل و آمریکا

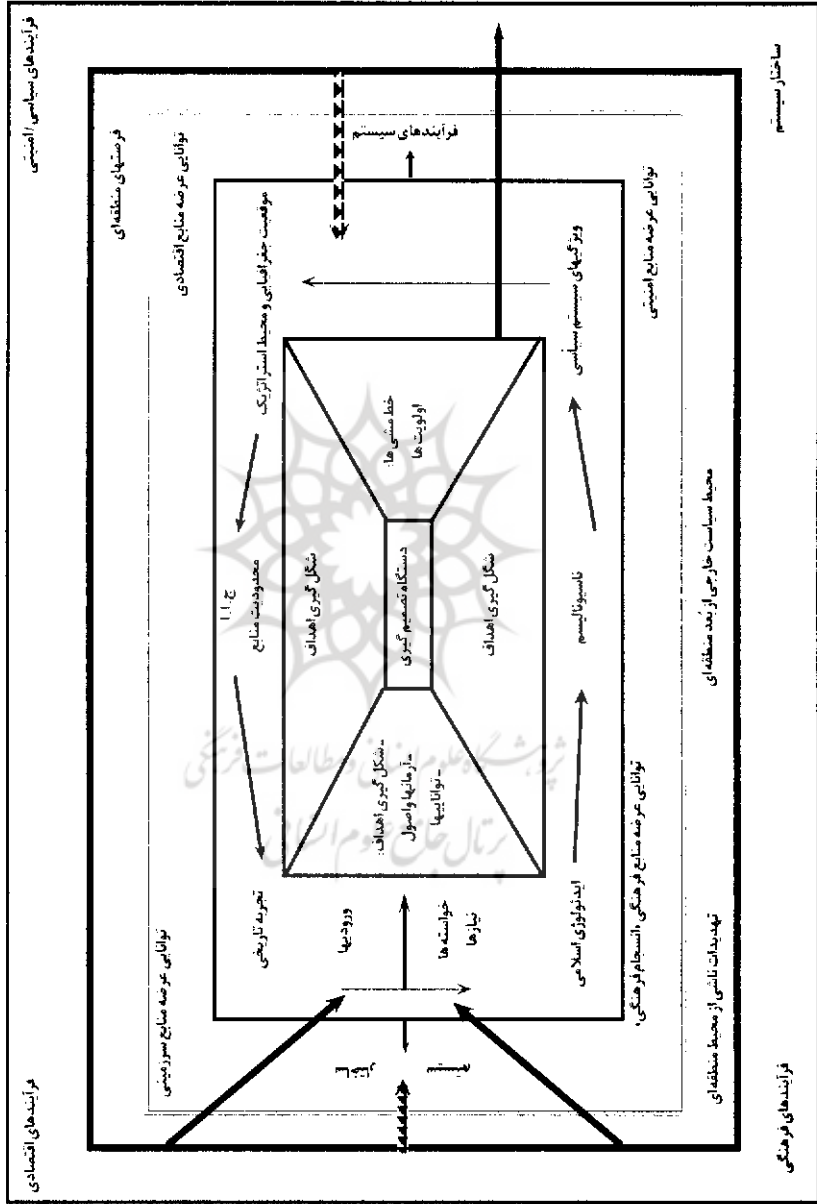


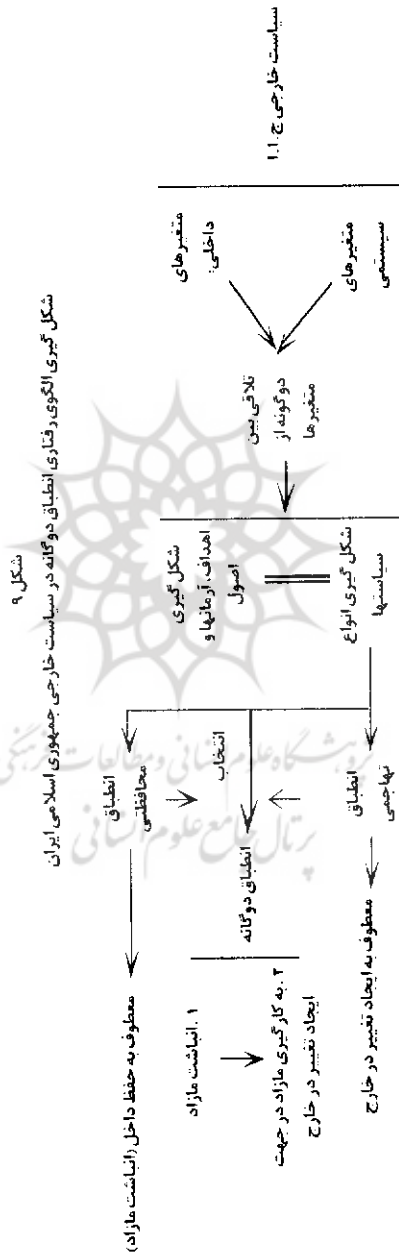
شکل ۷

تهدیدات سیستمی در برابر جمهوری اسلامی ایران

ضرورت مقابله با تهدیدات	تهدیدات
<p>- تشخیص و بررسی شدت تهدیدات بین المللی، منطقه ای و همسایگان</p> <p>۱. ضرورت شکل بخشیدن به سیستمهای کنترل در حوزه سیاست خارجی براساس فرصتها و اصول بنیادین سیاست خارجی واحد مورد نظر؛</p> <p>۲. مشخص شدن بخشی از اولویتهای سیاست خارجی براساس تهدیدات و سیستمهای ضروری در حوزه کنترل.</p>	<p>۱. تهدیدات سیستم بین المللی:</p> <p>- تهدیدات ساختاری سیستم بین المللی:</p> <p>- تمرکز یا پراکندگی قدرت در سیستم و نوع کنش واحد مورد نظر با واحدهای اصلی:</p> <p>- کنش های تخصصی و تهدیدات مستقیم</p> <p>- کنش های تخصصی و تهدیدات غیر مستقیم از طریق واحدهای همجوار یا منطقه.</p> <p>- تهدیدات فرآیندی سیستم بین المللی:</p> <p>- فرآیند اقتصادی و نقش قدرت یا قدرتهای اصلی؛</p> <p>- فرآیند فرهنگی و نقش قدرت یا قدرتهای اصلی؛</p> <p>- فرآیند سیاسی و نقش قدرت یا قدرتهای اصلی.</p> <p>۲. تهدیدات منطقه ای:</p> <p>تهدیدات صرفاً منطقه ای</p> <p>تهدیدات ناشی از حضور عوامل ساختاری</p> <p>تهدیدات صرفاً منطقه ای</p> <p>تهدیدات ناشی از حضور عوامل ساختاری در فرآیندهای منطقه ای</p>

شکل ۸
مدل تحلیلی و تئوریک مطالعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران





پاورقیها:

۱. رجوع شود به: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفوی تا جنگ جهانی دوم، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹؛ احمد تاج بخش، سیاستهای استعماری روسیه تزاری، انگلستان و فرانسه در ایران، تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۶۲؛ ابوالحسن غفاری، تاریخ روابط ایران و فرانسه از ترور ناصرالدین شاه تا جنگ جهانی اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.

۲. در مورد تأثیر متغیرهای داخلی بر سیاست خارجی ایران رجوع شود به:

Shireen T. Hunter, *Iran and the World*, India: Indian University Press, 1990; *The Cambridge History of Iran: the Land of Iran*, edited by W. B. Fisher, Cambridge: Cambridge University Press, 1968; *The Iranian Revolution: Its Impact*, edited by John L. Esposito, Florida: International University Press, 1990; *Neither East Nor West, Iran, the Soviet Union and the United States*, edited by Nikki Keddi and Mark J. Gasiorowski, New Haven and London: Yale University Press, 1990.

۳. در مورد دیدگاههای مختلف درباره جهانی شدن رجوع شود به:

Robert Koohane and Joseph Nye, *Power and Interdependence World Politics In Transition*, New York: Longman, 2000; Thomas M. J. Bateman, Manuel Mertin and David M. Thomas Edrs, *Braving the New World Reading in Contemporary Politics*, Canada: Nelson Thompson Learning, 2000.

فرهنگ رجایی، نظریه روابط بین الملل در دنیای جهانی شده، ترجمه پیروز ایزدی، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۷۹، صص ۳۷۴-۳۶۱؛ جیمز روزنا، «پسچیدگی و تناقضهای جهانی شدن»، ترجمه احمد صادقی، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۸، صص ۱۰۳۳-۱۰۱۹.

۴. در رابطه با تأثیر متغیرهای سیستمی و تهدیدهای منطقه‌ای ناشی از این سطح رجوع شود به: فرهاد قاسمی، «تأثیرات منطقه‌ای ساختار هژمونیک سیستم بین الملل بر امنیت ملی ایران»، مجله امنیت ملی، سال اول، شماره ۳، بهار ۱۳۷۹، صص ۹۱-۱۲۵.

Regional Power Rivalries in the New Eurasia- Russia, Turkey and Iran, edited by Alvin Z. Rubinstein and Olsen M. Smolanskey, New York and London: M. E. Sharpe Armonk, 1995; Patrick Clawson, "The Continuing Logic of Dual Containment," *Survival*, Vol. 40, No. 1, Spring 1998, pp 35-40.

5. Martin Indyke, "Administrations Approach to the Middle East keynot Address to the sore" for symposium on "Challenge to U.S Interest in the Middle East," Obstacle and Proceeding of Washington Institute for Near East Policy, Washington D. C. (18-19 May 1993), p. 4.

6. Gary Sick, "Rethinking Dual Containment," *Survival*, Vol. 40, No. 1, Spring 1998, p. 8.

7. Patrick Clawson, "The Continuing Logic of Dual Containment," op.cit.

۸. رجوع شود به:

Regional Power Rivalries in the New Eurasia- Russia, Turkey and Iran, op.cit.

9. Zibigniew Brezinski, "World Order of Future," *Dawn*, March 1994, p. 335.

10. Richard Slaar, "Moscos Plans to Restore Power," *Orbis*, Vol. 40, No. 3, Summer 1996, p.10.

11. Gone Hunter, "Arms for Azarbaijan," *Middle East International*, 23 October 1992, p. 12.

۱۲. چنگیز پهلوان، «مناسبات ایران و ترکیه»، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۱۳۴-۱۳۳، مهر و آبان ۱۳۷۷، صص ۳۲.

۱۳. در مورد پیوند بین متغیرهای مختلف و الگوهای رفتاری ناشی از آن رجوع شود به:

James N. Rosenau, "Pre-theories and Theories of Foreign Policy," in *Approaches to Comparative and International Politics*, edited by R. Barry Farrell, Evan Ston: North Western University Press, 1966, pp.43-48; Karl W. Deutsch, "External Influences on the Internal Behaviour of States," in *Ibid*, pp. 5-26; Kenneth E. Boulding, "Toward a theory of peace," in *International Conflict and Behavior Science*, edited by Roger Fisher, New York: Basic Books, INC. Publisher, 1974, pp. 70-87.

۱۴. برای آگاهی از دیدگاههای واقع‌گرایانه از سیاست خارجی رجوع شود به:

Colin Elman, "Horses for Courses. Why not Neorealist Theories of Foreign Policy?" *Security Studies*, Vol. 6, No. 1, Autumn 1996, pp. 7-53.